

The Geometry of the Key Concepts of the Relationship between the Semantic Plurality of the Qur'an and Philosophical Hermeneutics with the Plurality of Readings from the Perspective of Allameh Mesbah Yazdi

Leyla Ramezan Nia¹

Mohammad Sharifi²

Received: 03/11/2023

Accepted: 01/01/2024



Abstract

Different and sometimes conflicting interpretations of religious texts are one of the new issues raised in Islamic culture today. Among the appropriate platforms that provide the basis for this theory are the semantic plurality of the Qur'an and philosophical hermeneutics. As the major source of understanding religion, the Qur'an has multiple and different fields of meaning, and philosophical hermeneutics is a special approach to the problem of understanding and interpreting texts. In addition, accepting plurality of readings gives validity to all readings and understandings of religious texts, including the Qur'an, which itself causes confusion and misguidance of people. This article, through a descriptive-analytical method, while referring to various foundations, the proposal of the theory of plurality of readings and the consequences resulting from the acceptance of this theory, has discussed and examined the two foundations of the semantic plurality

1. Level Four Student of Mazandaran Islamic Seminary and Vice President of Education at Reihaneh Al-Rasoul Higher Institute, Juybar, Iran. samakoosh60@gmail.com (corresponding author).

2. Associate Professor, Yazd University, Yazd, Iran. m.sharifi@umz.ac.ir.

* Ramezan Nia, L., & Sharifi, M. (1402 AP). The Geometry of the Key Concepts of the Relationship between the Semantic Plurality of the Qur'an and Philosophical Hermeneutics with the Plurality of Readings from the Perspective of Allameh Mesbah Yazdi. *Journal of Islamic Knowledge Management*, 5(9), pp. 126-149. <https://doi.org/10.22081/JIKM.2024.67712.1092>

of the Qur'an and philosophical hermeneutics. The result suggests that, from Mesbah Yazdi's viewpoint, the meaning of the Qur'an's inner parts, the understandings of length and depth, are non-contradictory and regular, which has no relationship with philosophical hermeneutics and the plurality of readings. Therefore, the possibility of different readings of the same text is the result of a kind of attitude about philosophical hermeneutics.

Keywords

Inner part, semantic plurality, plurality of readings, philosophical hermeneutics, Mesbah Yazdi.



هندسة المفاهيم الرئيسية للعلاقة بين التعدد الدلالي للقرآن والتأويل الفلسفي بتعدد القراءات من منظور العلامة مصباح اليزدي.



محمد شريقي^٢

تاريخ القبول: ٢٠٢٤/٠١/٠١

ليلي رمضانينا^١

تاريخ الاستلام: ٢٠٢٣/١١/٠٣

الملخص

تعد التفسيرات المتعددة والمتباينة أحياناً للنصوص الدينية، هي إحدى القضايا الجديدة التي طرحت في الثقافة الإسلامية اليوم. ومن المنصات والمجاري المناسبة التي قدمت الأساس لهذه النظرية، هي التعددية الدلالية للقرآن والتأويل الفلسفي. إن القرآن، باعتباره المصدر الرئيسي للفهم الديني، له مجالات دلالية متعددة ومختلفة، والتأويل الفلسفي هو نهج خاص لمشكلة فهم النصوص وتفسيرها. وفي الوقت نفسه، فإن قبول تعدد الفهم والقراءات المتعددة يعطي صلاحية لجميع القراءات للنصوص الدينية، بما في ذلك القرآن، مما يسبب في حد ذاته ارتباكاً وضلالاً للناس. وفي هذا البحث، وبالمناهج الوصفية التحليلية، وبالإشارة إلى الأسس المختلفة لنظرية تعدد الفهم والقراءات المتعددة وعواقب قبول هذه النظرية، فقد تم نقد أسس تعدد المعاني في القرآن وكذلك التأويل الفلسفي. ومن إنجاز هذا البحث ونتيجته أن المراد من وجهة

١. طالبة المرحلة الرابعة في الحوزة العلمية للنساء، مازندران ومعاونية التربية والتعليم في مجمع ربحانة الرسول التعليمية، جويبار، إيران (الكاتب المسئول).
samakoosh60@gmail.com

٢. أستاذ مشارك، جامعة يزد، يزد، إيران.
m.sharifi@umz.ac.ir

*رمضانينا، ليلي، شريقي، محمد. (٢٠٢٣م). هندسة المفاهيم الرئيسية للعلاقة بين التعدد الدلالي للقرآن والتأويل الفلسفي بتعدد القراءات من منظور العلامة مصباح اليزدي. مجلة نصف سنوية ترويجية إدارة المعلومات الإسلامية، ٥(٩) صص ١٢٦-١٤٩. <https://Doi.org/10.22081/JIKM.2024.67712.1092>

نظر مصباح يزدي أن المراد ببطون القرآن هي أفهام طويلة ذات مستويات طويلة وغير متناقضة ومنضبطة، والتي بهذه الخصائص ليس له أي صلة وارتباط بالتأويل الفلسفي وتعدد القراءات؛ ولذلك فإن احتمال القراءات المتعددة للنص هو نتيجة للموقف التأويلي الفلسفي.

المفردات الأساسية

الباطن، تعدد المعاني، تعدد القراءات، التأويل الفلسفي، مصباح يزدي.



هندسه مفاهیم کلیدی رابطه تعدد معنایی قرآن و هرمنوتیک فلسفی با تعدد قرائت از نگاه علامه مصباح یزدی

محمد شریفی^۲

لیلا رمضان‌نیا^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۱۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۸/۱۲

چکیده

برداشت‌های متعدد و گاه متضاد از متون دینی، یکی از موضوعات جدیدی است که امروزه در فرهنگ اسلامی مطرح شده است. از جمله بسترهای مناسبی که زمینه طرح این نظریه را فراهم آورد، تعدد معنایی قرآن و هرمنوتیک فلسفی است. قرآن به‌عنوان اصلی‌ترین منبع فهم دین، دارای تعدد و ساحت‌های مختلف معنایی است، هرمنوتیک فلسفی نیز رویکرد ویژه‌ای به مسئله فهم و تفسیر متون است. ضمن آن که پذیرش تعدد قرائت‌ها موجب اعتباربخشیدن به همه قرائت‌ها و فهم‌ها از متون دینی از جمله قرآن است که این خود موجب سردرگمی و ضلالت انسان‌ها می‌گردد. این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی، ضمن اشاره به مبانی مختلف، طرح نظریه تعدد قرائت‌ها و پیامدهای حاصل از پذیرش این نظریه، دومبنای تعدد معنایی قرآن و هرمنوتیک فلسفی را مورد بحث و بررسی قرار داده است. نتیجه حاصل گویای این است که، از نگاه مصباح‌یزدی، مقصود از بطن‌های قرآن، فهم‌های طولی و ذومراتب، غیرمتعارض باهم و ضابطه‌مند است که با این خصوصیات، هیچ‌گونه ارتباط و تلازمی با هرمنوتیک فلسفی و تکثر قرائت‌ها ندارد؛ بنابراین امکان قرائت‌های مختلف از یک متن، نتیجه نوعی نگرش درباره هرمنوتیک فلسفی است.

کلیدواژه‌ها

باطن، تعدد معنایی، تعدد قرائت، هرمنوتیک فلسفی، مصباح یزدی.

۱. طلبه سطح ۴ حوزه علمیه مازندران و معاون آموزش مجتمع عالی ریحانه الرسول ﷺ جویبار، ایران
 samakoosh60@gmail.com (نویسنده مسئول).

m.sharifi@umz.ac.ir

۲. دانشیار، دانشگاه یزد، یزد، ایران.

* رمضان‌نیا، لیلا؛ شریفی، محمد. (۱۴۰۲). هندسه مفاهیم کلیدی رابطه تعدد معنایی قرآن و هرمنوتیک فلسفی با تعدد قرائت از نگاه علامه مصباح یزدی. دوفصلنامه علمی - ترویجی مدیریت دانش اسلامی، (۹)، صص ۱۲۶-۱۴۹.
<https://doi.org/10.22081/JIKM.2024.67712.1092>



مقدمه

تفسیر متون اعم از متون دینی، تاریخی و فلسفی و تبیین مقصود متکلم، مسئله‌ای است که همواره در طول تاریخ ذهن انسان‌ها را به خود مشغول ساخته است و قرآن کریم به‌عنوان یک متن دینی از این امر مستثنی نیست. به‌گونه‌ای که از صدر اسلام، تفسیر و تبیین قرآن کریم مورد توجه بوده و اندیشمندان مسلمان در مورد قرآن کریم دانش جدیدی را به نام «دانش تفسیر» باب کردند (حسین‌زاده، ۱۳۸۱). از طرفی مسئله قرائت‌پذیری دین، از جمله قرآن، یکی از مسائل مهم در حوزه دین‌پژوهی و به آن معناست که می‌توان از متون دینی از جمله قرآن، تفسیرها و فهم‌های گوناگونی داشته باشیم. ورود تفکرات مسیحی به جهان اسلام و پیدایش مباحث فلسفه دین و کلام جدید موجب شده است تا برخی نواندیشان دینی، در پی یکسان‌سازی آموزه‌های ادیان برآمده و تعدّد قرائت‌ها را مطرح کرده‌اند و برای اثبات نظریه خود، مبانی مختلفی را از جمله تعدّد معنایی قرآن، اجتهاد، پلورالیسم دینی، هرمنوتیک را مطرح می‌کنند (مصباح یزدی، ۱۳۸۲، صص ۸۲).

علامه مصباح نیز در زمینه تعدّد قرائت‌ها و هرمنوتیک فلسفی^۱ نظرات قابل تأملی مطرح کرده است. حال این پرسش مطرح می‌شود که مبانی قرائت‌های مختلف از نگاه مصباح یزدی کدام است؟ رابطه تعدّد معنایی قرآن با تعدّد قرائت‌ها چگونه است؟ رابطه هرمنوتیک و تعدّد قرائت‌ها چگونه اثبات می‌شود؟ پیامدهای پذیرش نظریه تعدّد قرائت‌ها چیست؟ تعدّد قرائت در چه محدوده‌ای و با چه شرایطی پذیرفته است؟ از آنجا که پذیرش تعدّد قرائت‌ها، زمینه حجیت و اعتباربخشیدن به همه قرائت‌های دینی و فرق مذهبی می‌انجامد و این امر با اصلی‌ترین اهداف انبیا، یعنی هدایت الهی منافات دارد و موجب سردرگمی و ضلالت انسان‌ها می‌شود؛ از این‌رو بررسی دقیق نظریه تعدّد قرائت‌ها و اثبات درستی و نادرستی این دیدگاه، برای اثبات حجیت قرآن امری ضروری است.

1. Philosophical hermeneutics

پیشینه تعدّد قرائت‌های متون اسلامی به صدر اسلام بر می‌گردد و نام این کار «تفسیر به رأی» بوده و در آن زمان، صاحب هر رأی یا قرائت دیدگاه دیگران را نادرست می‌دانست، اما امروزه مفسران نوین نظریه جدیدی را تحت تاثیر تفکرات مسیحی ارائه کردند که همه تفسیرها و برداشت‌ها در عرض هم صحیح هستند؛ اگرچه با هم قابل جمع نباشند و ضد هم باشند. کتاب‌هایی مانند، تعدّد قرائات (مصباح یزدی، ۱۳۸۲)؛ و مقالات متعددی در این زمینه نگاشته شده است: از جمله «رابطه اجتهاد و مسئله تعدّد قرائت‌ها از دین» (حسن‌زاده، ۱۳۸۱) که به فرق اجتهاد و اختلاف آراء فقها با مسئله تعدّد قرائت‌ها پرداخته است. مقاله «مبانی قرائت‌های گوناگون از قرآن» (محمد رضائی، ۱۳۸۲) به مهم‌ترین مبانی نظریه تعدّد قرائات پرداخته و هر کدام از مبانی را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است و همچنین مقاله «هرمنوتیک و تعدّد قرائت‌ها از دین» (مجتهد شبستری، ۱۳۸۰) به اصل مسئله «فهم» و معانی مختلف آن اشاره کرده است؛ اما مقاله‌ای مستقل که به تحلیل و بررسی رابطه میان تعدّد معنایی قرآن و تعدّد قرائات با هرمنوتیک فلسفی از نگاه علامه مصباح یزدی نگاشته شده باشد، یافت نشد.

۱. مفهوم‌شناسی

۱-۱. باطن

لغت‌شناسان واژه «باطن» را به معنای خلاف ظاهر یا مقابل ظاهر می‌دانند (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۲۵۹؛ طریحی، ۱۹۸۹م، ج ۶، ص ۲۱۴؛ مصطفوی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۲۹۲) به اعتقاد راغب اصفهانی باطن، ضد ظاهر وزمانی به کار می‌رود که چیزی در عمق زمین و مخفی باشد (راغب اصفهانی، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۲۸۲).

در اصطلاح، باطن قرآن، معانی و مصادیقی است که دلالت و انطباق آیات بر آن‌ها آشکار نیست؛ ولی مراتب دارند. برخی از مراتب آن برای غیر معصومان با تأمل و دقت قابل فهم است و برخی مراتب آن، فراتر از دلالت عرفی آیات است و کسی جز معصومان، توان فهم آن را ندارد (بابائی، ۱۳۸۶، ص ۲۰). باطن در تعریفی دیگر، عبارت است از معانی درونی هر آیه که فراتر از مدلول لفظی و ظاهری آیات می‌باشد و شامل مدلول

درونی کلام و از نوع مدلول التزامی غیر بین است (مودب، ۱۳۶۸، ص ۱۳۸).
از نگاه مصباح یزدی، بطن به آن دسته از معانی گفته می‌شود که ظاهر الفاظ آیات بر آن دلالت ندارد و از دسترس عموم مردم دور است و به لحاظ خفا و ظهور در طول هم قرار دارند و هیچ یک دیگری را نفی نمی‌کند (مصباح یزدی، ۱۳۹۴، ج ۲، ص ۲۶۱).

۲-۱. تعدّد قرائت

قرائت در لغت به معنای «خواندن» و در اصطلاح به معنای نحوه خواندن الفاظ آیات قرآن کریم است و دانشی مستقل در زمره علوم قرآنی به شمار می‌رود؛ اما قرائت را امروزه در معنای جدیدی به کار می‌برند که ارتباطی با چگونگی خواندن عبارات و الفاظ ندارد، بلکه درباره چگونگی معناکردن آن‌ها است (حقیقت‌شناس و همکاران، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۹۶).
قرائت در این کاربرد با قرائت‌های مختلف قرآن که از دیر زمان در میان مسلمانان به‌عنوان فن و دانشی خاص مطرح بوده، هیچ مناسبت و پیوندی ندارد.
مصباح یزدی معتقد است تعدّد قرائت به معنای امکان برداشت‌های مختلف و گاه متضاد از یک عبارت یا متن است که همه آن‌ها صحیح و مقبول بوده و نمی‌توان هیچ یک از آن‌ها را باطل شمرد (مصباح یزدی، ۱۳۸۲، ص ۱۴).

۳-۱. هرمنوتیک

واژه هرمنوتیک در اصل، معنایی شبیه به تأویل دارد و شاخه‌ای از فلسفه یا معرفت‌شناسی است که شاخه‌های فرعی متعددی دارد (مصباح یزدی، ۱۳۸۲، ص ۱۴). و به معنای «تفسیر کردن» است. این واژه از زمان افلاطون به کار می‌رفته است و به معنای به فهم درآوردن چیزی یا موقعیتی مبهم است. ارسطو نیز از این لفظ برای نام‌گذاری بخشی از کتاب ارغنون که درباره منطق قضایا است، اسفاده کرد. هرمنوتیک از قرن هفدهم میلادی به‌طور رسمی، به‌عنوان شاخه‌ای از دانش بشری درآمد (واعظی، ۱۳۹۳، صص ۲۴-۲) که ابتدا دانش «فهمیدن متون» بود ولی به تدریج به دانش «فهمیدن زندگی» و دانش «فهمیدن وجود» و «شالوده شکنی» مبدل شد (مجتهد شبستری، ۱۳۸۰، ص ۲۷).

۲. نظریه تعدد قرائات

مسئله قرائت‌ها و برداشت‌های متعدد از متون دینی، یکی از موضوعات جدیدی است که امروزه در فرهنگ اسلامی مطرح شده و موافقان و مخالفان زیادی را به همراه داشته است. قرائت‌های متعدد از دین، برداشت‌های متفاوت از متون دینی، اعم از گفتاری، شنیداری و حتی سیره عملی پیشوایان دین است (حسن‌زاده، ۱۳۸۱، ص ۷۵).

از نگاه مصباح یزدی، تکثر قرائت متون، به ویژه متون دینی، عبارت است از: پذیرفتن چند معنای مختلف و غیر قابل جمع برای یک متن. این معانی گرچه فی حد نفسه قابل جمع نیستند ولی قابل جمع تلقی می‌شوند. تلقی قابل جمع بودن معانی متعدد به دو صورت توجیه شده است: یکی این که لفظی دو یا چند معنای متضاد داشته و همه آن‌ها نیز درست باشد؛ و دوم اینکه، این معانی در مقام عمل هیچ یک بر دیگری برتری و رجحانی ندارد و هر کدام را که بپذیریم، صحیح است؛ گرچه ندانیم که کدام یک مطابق با واقع است (مصباح یزدی، ۱۳۸۲، ص ۱۵)؛ چرا که معتقدند، قواعد ادبی و واژه‌شناسی و اصول محاوره عقلانی هیچ‌یک در فهم متون دینی معتبر نیست و آنچه ملاک است، ذهنیت خود مخاطب است و فهمی که به مقتضای خود از این متن دارد. از این بالاتر برای کل اسلام، صرف نظر از آیات و روایات و ادله عقلی، قرائت جدیدی مطرح می‌کنند و برداشت مسلمانان را از صدر اسلام تاکنون، قرائت سنتی می‌نامند و می‌گویند: خداوند مبدا و مبدع جهان و انسان است. انسان و تمدن سازی او را قبول دارد او را به گونه‌ای آفریده است که با احساسات و عقل و منطق، مشکلات زندگی‌اش را حل می‌کند. تدبیر برای اراده زندگی که اسم آن را تمدن و فرهنگ می‌گذاریم به عهده خود انسان است (مجتهد شبستری، ۱۳۸۴، ص ۴۹۹).

۲-۱. پیامدهای نظریه تعدد قرائت‌ها

۱-۲-۱. احیای بدعت‌ها و ترک سنت‌ها

از نگاه مصباح یزدی یکی از اموری که به ترک سنت‌های اسلامی و احیای بدعت‌ها می‌انجامد نظریه تعدد قرائت‌ها است. وقتی گفته می‌شود سنت‌های دینی و اسلامی را

احیا کنید، معتقدان به این نظریه در پاسخ می‌گویند: کدام قرائت از اسلام منظور است؟ شما به هر قرائتی اشاره کنید، خواهند گفت قرائت دیگری نیز داریم؛ بنابراین نمی‌توان قرائت مشخصی از دین داشت و عملاً هیچ سنتی به جا نخواهد ماند تا به دین منسوب شود. بدین ترتیب کم‌کم در همه عقاید و احکام دینی شک و تردید پدید می‌آید و هر کس دلخواه خویش را به‌عنوان قرائت خود از دین مطرح می‌کند و زمینه برای بدعت‌گذاری در دین فراهم می‌شود (مجتهد شبستری، ۱۳۸۴، ص ۴۹۹).

۲-۲-۱. لغو و بیهوده‌شدن دین

نتیجه اعتقاد به قرائت‌های متعدد از دین از نگاه مصباح یزدی، آن خواهد شد که بودن و نبودن دین تفاوتی نخواهد داشت. دینی که معانی متضادی را برتابد و قابل تفسیرهای گوناگون باشد و هر کسی بتواند خواسته خود را بر آن تحمیل کند، بود و نبودش مساوی است. هم‌چنین در این صورت، وجود پیامبران علیهم‌السلام و فداکاری‌های آنان و شهادت شهیدان راه خدا در طول تاریخ لغو خواهد بود. اگر توحید و شرک و تثلیث و بت‌پرستی و دیگر عقاید الحادی همه صحیح است، پس پیامبران علیهم‌السلام برای چه مبعوث شده‌اند؟ اگر بپذیریم که قرائت‌های مختلف از دین وجود دارد، دیگر فهم مقدس و چیزی که سخن خدا نامیده شود و تسلیم در برابر آن لازم باشد و تخطی از آن جایز نباشد، باقی نخواهد ماند (مجتهد شبستری، ۱۳۸۴، ص ۴۹۹).

۲-۲-۲. مبانی نظریه تعدد قرائت‌ها

مدعیان تعدد تفسیرها و قرائت متون دینی از جمله قرآن برای اثبات دیدگاه خود، دلایلی را مطرح کرده‌اند که در این قسمت، به برخی از آن دلایل و زمینه‌ها از نگاه مصباح یزدی اشاره می‌شود.

الف. قرائات مختلف آیات قرآن

از صدر اسلام درباره برخی از آیات قرآن، قرائت‌های مختلفی مطرح بود و گاهی یک آیه به دو یا چند شکل خوانده می‌شده است؛ مانند «مالک یوم الدین» (حمد، ۴) که

«ملیک» نیز قرائت شده و می‌شود. این موارد به‌طور طبیعی به تعدّد «معنا» می‌انجامد که همه آن معانی نیز متحمل و مقبول است. به مرور زمان تعدّد قرائت‌ها معنای وسیع‌تری پیدا کرد؛ اول، اختصاص به قرائت لفظ داشت. سپس، تعدّد معنا و در مرحله سوم، تعدّد فتوا در احکام فقهی و در مرحله چهارم، اختلاف نظر در مسائل عقیدتی و کلامی را هم در بر گرفت (مصباح یزدی، ۱۳۸۲، ص ۲۵).

ب. وجود آیه متشابه

خدای متعال بنا به مصالحی، برخی از آیات قرآن کریم را به صورت متشابه بیان فرموده است؛ از این رو تفسیر آن‌ها دقت و تأمل بیشتری می‌طلبد و در نهایت ممکن است مفسران دو یا چند تفسیر از آن آیه ارایه کنند که اثبات رجحان یکی از آن‌ها آسان نباشد و همه آن‌ها قابل قبول تلقی شود. وجود این تفسیرهای متعدد نیز می‌تواند زمینه‌ای برای پذیرش تعدّد در قرائات باشد.

ج. تفسیر به رأی

در کنار مفهوم مقبول «تفسیرهای متعدد» اصطلاح دیگری به نام «تفسیر به رأی» داریم که بار ارزشی منفی دارد اینکه کسی براساس دلخواه خود، معنایی برای آیه و روایتی بیان کند، بدون آن که قواعد و ضوابط فهم کلام و اصول محاوره عقلانی آن را تأیید کند؛ وجود این نوع تفسیرها نیز زمینه طرح تعدّد قرائت‌ها را پدید می‌آورد.

د. ظاهر و باطن قرآن

از نگاه مصباح یزدی، در روایات متعددی از پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم السلام به باطن داشتن آیات قرآن و در برخی از آن‌ها به وجود هفت معنای باطنی برای آیات قرآن، تصریح شده است که براساس آن، علاوه بر معنای ظاهر قرآن، می‌توان به یک یا چند معنای باطنی برای آن نیز معتقد بود و مدعیان تعدّد قرائات، با سوء استفاده از این زمینه، در پی اثبات نظریه به‌عنوان قرائت نو از متون دینی هستند

البته می‌توان مبانی و دلایلی دیگری را هم برای نظریه تعدّد قرائت‌ها از نگاه مصباح یزدی بیان کرد از جمله: تفاوت‌های مذهبی و تعدّد فتوا؛ تاریخ‌مندی احکام اسلام؛ نمادین بودن زبان دین؛ تجربه دینی بودن قرآن برای پیامبر ﷺ؛ و... که بحث و بررسی هر

کدام به تنهایی از حوصله این نوشته خارج است. لذا تلاش شده به برخی از این مبانی از جمله تعدد معنایی قرآن و هرمنوتیک در ارتباط با طرح نظریه تعدد قرائت پرداخت که کدام یک از این دو مورد می‌تواند نظریه قرائت‌های مختلف از دین را نتیجه دهد.

۳-۲-۱. تعدد معنایی آیات قرآن

یکی از ویژگی‌های زبان قرآن، دارا بودن سطوح گوناگون معنایی است که از آن در روایات به «ظهر و بطن» تعبیر می‌شود. و امری پذیرفته شده در بین فریقین است (بابی، ۱۳۸۶، ص ۲۲؛ ذبی، ۱۳۹۶، ص ۲۵). برای وجود بطن در قرآن می‌توان به آیات، روایات، عقل و آرای مفسران استدلال کرد.

قرآن، درباره بطن به صراحت سخن نگفته است؛ اما از آیات فراوانی می‌توان برای وجود بطن قرآن استدلال کرد. آیاتی که مخاطبان را به تدبیر و تعقل در قرآن فرامی‌خواند (نساء، ۲۹) حکایت از این دارد که در ورای این الفاظ و معنای ظاهری، معنای ژرف و عمیقی نهفته است که مقصود و مراد خداوند بوده و همان باطن آیه است (رضائی اصفهانی، ۱۳۹۲، ص ۲۰۷)؛ اما مستند اصلی «بطن قرآن» برخاسته از روایات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام است که فرمودند: «إِنَّ لِلْقُرْآنِ ظَاهِرًا وَباطِنًا» (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۷، ص ۱۹۲) و برخی روایات برای قرآن هفت بطن و در برخی دیگر هفتاد بطن قائل شده است. قال رسول الله: «إِنَّ لِلْقُرْآنِ ظَهْرًا وَباطِنًا وَ لِبَطْنِهِ بَطْنٌ إِلَى سَبْعَةِ أَبْطُنٍ» (فیض کاشانی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۶۴)؛ همچنین هر اندیشمندی می‌داند که لازمه جاودانگی و اعجاز قرآن برای همه زمان‌ها و مکان‌ها، وجود عمق و ژرفا برای آن است؛ زیرا از سویی، وحی آیات قرآن به پایان رسیده است و از سوی دیگر، پرسش‌های فراوانی با گذشت زمان مطرح می‌شود که نمی‌توان از ظاهر آیات، پاسخ آن را دریافت؛ بنابراین لازم است بخش مهمی از معارف دین اسلام، در باطن قرآن نهفته باشد تا با کمک معصومان، حقایق آن کشف گردد و معارف عالی آن که، فراتر از افهام عادی و ظاهری است به کمک مفسران ژرف‌اندیش آشکار گردد (کلانتری، ۱۳۸۲، صص ۱۶۷-۱۲۹).

از سوی دیگر همه مفسران بر اصل وجود باطن قرآن اجماع دارند؛ هرچند در

محدوده و مصادیق آن، نظرهای گوناگونی وجود دارد (طباطبائی، ۱۳۸۷، صص ۲۲۷-۲۲۰؛ بابائی، ۱۳۷۷)؛ زیرا قرآن از یک سو، کتاب هدایت انسان‌ها است و به زبان آنان سخن گفته و از سوی دیگر، بیان‌کننده همه معارفی است که در سعادت انسان مؤثر است و چون بیان همه معارف در قالب الفاظ محدود قرآن میسر نیست، بخشی مهمی از آن‌ها در قالب معانی باطنی بیان شده‌است؛ هرچند این به معنای آن نیست که همگان می‌توانند همه معانی باطن قرآن را درک کنند (نجازادگان، ۱۳۸۸، ص ۶۴).

بنابراین براساس آیات قرآن و روایات و عقل، آیات قرآن دارای بطون مختلف است. افراد به حسب توانایی و ظرفیت‌های فکری خود می‌توانند به این مراتب دست یابند.

۳-۲-۲. نقد و بررسی تمسک به بطون قرآن در توجیه تعدد قرائت‌ها از نگاه مصباح

یزدی رحمته

از نگاه مصباح یزدی یکی از ویژگی‌های زبان قرآن، چندلایه بودن و ذوبتون بودن کلام الهی است که روایات مختلفی در این زمینه از پیشوایان دین هم نقل شده است که در بحث پیشین به آن اشاره شده است. اما آنچه قابل بررسی است این است که، بعضی از طرفداران تعدد قرائت متون دینی، با بهره‌گیری نادرست از این روایات، دیدگاه‌های انحرافی خود را به نام «باطن متن» عرضه می‌کنند. آنان از سویی همه قرائت‌های مختلف را به این عنوان صحیح می‌پندارند و از سوی دیگر با ترویج این تفکر، مردم را از عمل به ظاهر قرآن باز می‌دارند؛ زیرا بر این باورند که اگر کسی به باطن قرآن دست یافت دیگر نیازی به ظاهر آن ندارد.

ایشان در نقد این سخن این‌گونه پاسخ می‌دهد که باطن داشتن آیات قرآن، امری انکارناشدنی است؛ اما در برخی از همین روایات فهم همه بطون قرآن به پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام اختصاص داده شده است: «لَا يَسْتَطِيعُ أَحَدٌ أَنْ يَدْعِيَ أَنَّهُ جَمَعَ الْقُرْآنَ ظَاهِرَهُ وَ بَاطِنَهُ غَيْرَ الْأَوْصِيَاءِ». (فیض کاشانی، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۲۰)؛ البته ممکن است برخی از معانی عمیق آیات با تأمل و تدبر در آن‌ها برای دیگران نیز آشکار شود؛ مانند آیه ۱۵ از سوره فاطر که می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ»؛ ای مردم

شما نیازمند به خدایید و خداوند بی‌نیاز و ستوده است. آنچه عموم مردم از ظاهر این آیه می‌فهمند این است که، شما به خدای متعال نیازمندید و خدای متعال بی‌نیاز و شایسته حمد است. آنچه از واژه «فقر» در اذهان تداعی می‌شود همان نیازمندی‌های انسان در امر معاش، از قبیل خوراک، پوشاک، مسکن و غیره است که خدای متعال با به وجود آوردن اسباب و علل آنها، زمینه ادامه حیات و رشد و تکامل انسان را فراهم می‌کند. این مرتبه از فهم آیه، فهم مرتبه ظاهر آیه است؛ هر اندازه که انسان با ساختار سخن و نکته‌های ادبی آن آشنایی بیشتری داشته باشد و به تدبر و تعقل در آیات اهتمام ورزد، به نکته‌های دقیق‌تر و عمیق‌تری نیز پی خواهد برد.

بر همین اساس با تأمل می‌توان گفت که نیازمندی ما به خداوند فراتر از خوراک و پوشاک و مسکن و بهداشت و غیره است. ما فقیر مطلقیم و خدا بی‌نیاز مطلق. ما «فقیر بالذات» هستیم و خداوند «غنی بالذات». این معنای دوم را که عمیق‌تر از معنای نخست است می‌توان باطن آیه نامید و عمیق‌تر از این معنا، آن است که انسان‌ها نه تنها در اصل وجود فقیر و نیازمندند بلکه عین نیاز و سراپا احتیاجند. وجود و هستی انسان «عین ربط» به خدای متعال است. البته درک حقیقت این معنای سوم، از حد فهم‌های عادی خارج است (مصباح یزدی، ۱۳۸۲، ص ۳۸)؛ از این رو زمانی که شخص پس از فهم ظاهر یک آیه به مفهوم عمیق‌تر از آن معنای ظاهر اولیه، که در تحت آن است، برسد، در واقع این مفهوم عمیق‌تر برای او ظاهر شده است در حالی که همین مفهوم و معنا برای فردی که در سطح پایین‌تری از فهم است، باطن به حساب می‌آید (شریفانی، ۱۳۹۴).

نکته مهمی که در این قسمت مطرح می‌شود این است که آیا این مراتب گوناگون معنایی، با هم متباین و متفاوت هستند یا مراتب باطنی، مراتب عمیق‌تر معنای ظاهری است. از نگاه مصباح یزدی، ظاهر و باطن‌های قرآن در طول یکدیگرند و در عین حال که هر یک صحیح است هیچ کدام منافاتی با دیگری ندارد. آنچه که هست این است که این معانی از نظر عمق با هم متفاوتند (مصباح یزدی، ۱۳۸۲، ص ۴۰). این نگرش‌ها و فهم‌های متفاوت می‌توانند مکمل، همسو و هماهنگ با هم باشند. از نگاه جوادی آملی نیز سراسر مطالب قرآن از همه جهت هماهنگ است؛ یعنی هم ظاهرها باهم، هم باطن‌ها با

هم. پیوند هر ظاهر با باطن بالاتر از خود، همچنان محفوظ است (جوادی آملی، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۱۲۸) که به صورت زنجیره‌ای با یکدیگر ارتباط دارند و یکی مستلزم دیگری است (ربانی گلپایگانی، ۱۳۷۶، ص ۱۵۱) و هر مرتبه‌ای جلوه‌ی مرتبه فوقانی و رقیق‌شده آن است و از نظر وجودی، پیوستگی تمام به مرحله فوقانی خود دارد. به همین خاطر برای قرآن مراتب جدا از هم قابل تصور نیست (جوادی آملی، ۱۳۹۵، ص ۴۶)؛ چراکه قرآن کتابی است که هر معنایی از معانی باطنی آن، بطن دیگری دارد (مصباح یزدی، ۱۳۸۲، ص ۲۵). این تعدد معنایی قرآن، گرچه مستلزم نوعی کثرت در معرفت دینی است، اما این کثرت‌ها به صورت فهم‌های هم عرض و متعارض نخواهد بود (ربانی گلپایگانی، ۱۳۷۶، ص ۱۵۱) و به این معنا نیست که آیه، هر معنا و تفسیری را بر می‌تابد، ظرفیت معانی متعارض حتی متناقض را دارد (نیکزاد، ۱۳۸۹، ص ۵۸) بلکه چه دیگران به برخی از معانی باطنی قرآن دست یابند و چه دسترسی پیدا نکنند، وجود بطون به معنای بی‌نیازی از ظاهر آیات و دست کشیدن از آن نیست، بلکه باید با عمل به ظاهر قرآن به باطن آن رسید. حقایق باطنی قرآن برای همه قابل درک نیست و تابع مراتب کمال انسانی و ضوابطی است که در پی عمل به ظواهر قرآن و پیروی از دستورات اهل بیت علیهم‌السلام به دست می‌آید (مصباح یزدی، ۱۳۸۲، ص ۲۳).

همچنین بر اساس نظریه تعدد قرائت‌ها، هر متنی قرائت‌پذیر است، معیار و ضابطه‌ای هم، برای تشخیص تفسیر درست از نادرست وجود ندارد. در حالی که مفسران برای تشخیص اعتبار بطون و معانی مختلف آیات قرآن، ضوابطی و معیارهایی مانند: جویاشدن هدف آیات و سنجش آن هدف با خصوصیات ذکرشده در متن آیه را تعیین می‌کنند که این در نظریه قرائت‌پذیری دین مطرح نیست (خسروپناه، ۱۳۹۳، صص ۱۲۷-۱۲۸)؛ همچنین از نگاه علامه مصباح، در صورتی می‌توان از متنی بیش از یک قرائت داشت که هر کدام از آن قرائت‌ها بر اساس روش عقلایی باشد. نمی‌توان بی‌ضابطه و به دلخواه، دیدگاهی را بر متن تحمیل کرد و نام آن را قرائت جدید گذاشت؛ همچنین اگر بر اساس اصول محاوره عقلایی و قواعد زبان متن، چندین قرائت پدید آمد، بدان معنا نیست که در مقام ثبوت و واقع نیز همه این معانی پذیرفتنی باشد. فقط در صورتی

می‌توان در واقع نیز به تعدّد معنا قایل شد که به صورت ظاهر و باطن، یا تفسیر و تأویل باشد و در میان آن‌ها تعارضی دیده نشود (مصباح یزدی، ۱۳۸۲، ص ۸۲).

۲-۳. محدوده پذیرش قرائت‌های مختلف از نگاه مصباح یزدی

الف) قرائت الفاظ

قرائت متعدد از الفاظ آیات، در صورتی که از قاریان معتبر به تواتر نقل شده باشد قابل پذیرش است. صاحب‌نظران نیز تا اندازه‌ای این تفاوت قرائت‌ها را پذیرفته‌اند. البته خارج از این محدوده، قاریان کنونی قرآن نمی‌توانند از پیش خود قرائت جدیدی از الفاظ آیات ارائه دهند.

ب) تعدّد معانی واژگان

برخی از الفاظ دو معنا دارند و ممکن است اراده هر دو معنا نیز صحیح باشد. البته دو معنای شناخته‌شده بر اساس منابع معتبر نه آن که کسی بر اساس ذوق خود معنایی بر لفظی ببندد که عالمان اصول فقه در باب «امکان اراده بیش از یک معنا از لفظ واحد» بدان پرداخته‌اند. فی‌الجمله می‌توان پذیرفت که یک لفظ با حفظ صیغه خاص خودش (با یک قرائت از نظر لفظ) دارای دو معنا و هر دو نیز صحیح باشد؛ پس وجود دو معنا برای یک لفظ، امکان، بلکه وقوع نیز دارد و به شرط این که ضابطه‌مند و بر اساس قواعد مجاوره عقلایی باشد و تعارضی بین دو معنا نباشد معتبر است.

ج) قرائت‌پذیری برخی از احکام فقهی

در برخی از احکام فقهی، نه همه آن، نیز می‌توان قرائت‌های مختلفی داشت؛ اما اینها تازگی ندارد و حاصل مکتب هرمنوتیک نیست.

بنابراین از نگاه علامه مصباح، تفکر انحصار هدایت قرآن به باطن آن و دست‌کشیدن از ظواهر آیات، کاملاً انحرافی است و باطن‌داشتن قرآن کریم با نظریه تعدّد قرائت متفاوت است. معانی باطنی قرآن در طول یکدیگر بوده و با معنای ظاهر آیه نیز مرتبط است و بر کثرت هماهنگ و سازگار دلالت دارد و هیچ ناسازگاری و

منافاتی میان آن‌ها وجود ندارد؛ در حالی که نظریه تعدّد قرائت‌ها وجود معانی متضاد با یکدیگر را برای یک متن روا می‌داند و همه را صحیح می‌شمارد و نافی معیار سنجش و صحت و سقم برای برداشت‌های مختلف است؛ بنابراین هیچ ارتباطی بین تعدّد قرائت‌ها بر اساس آنچه گفته شد، با ذوب‌توبون بودن قرآن و قرائت مختلف الفاظ، تعدّد معانی واژگان و قرائت‌پذیری برخی از احکام فقهی وجود ندارد.

۳. هرمنوتیک فلسفی و تعدّد قرائت‌ها از دین

همان‌گونه که قبلاً اشاره شد، هرمنوتیک به معنای هنر تفسیر یا علم تفسیر است. در مغرب زمین دیدگاه‌ها و گرایش‌های گوناگون تفسیری در این علم وجود دارد که برخی از آن دیدگاه‌ها، می‌تواند مبنای نظریه قرائت مختلف از دین باشد. در باب هرمنوتیک یا علم تفسیر از دیدگاه مغرب‌زمینیان، به‌طور کلی دو دیدگاه اساسی وجود دارد.

۱. دیدگاه فریدریش شلایر ماخر^۱

شلایر ماخر را بنیان‌گذار علم هرمنوتیک نو دانسته‌اند. او بر آن است که فهم و تفسیر، دوباره تجربه کردن و بازسازی اعمال ذهنی مؤلف متن است؛ یعنی مفسر، از طریق متن می‌کوشد به نیت‌ها و مقاصد مؤلف آگاهی یابد. وی هدف تفسیر را کشف نیت مؤلف می‌داند (محمدرضایی، ۱۳۸۲، ص ۶۹).

۲. دیدگاه هایدگر^۲ و گادامر^۳

این دو فیلسوف معتقدند که فهم و تفسیر، مستلزم پیش‌فرض است و بدون پیش‌فرض میسر نیست و همچنین آنان بر این باورند که تفسیر یقینی از متن وجود ندارد. حتی گادامر تصریح می‌کند که جست‌وجوی فهم، بدون پیش‌فرض، بیهوده است. هیچ تفسیر عینی و نهایی وجود ندارد. ما نمی‌توانیم مطمئن شویم که تفسیر ما درست یا بهتر

1. Friedrich Schleiermacher
2. Heidegger
3. Gadamer

از تفسیرهای پیشین است. تفسیرها و داوری‌های ما درباره تفسیرهای گذشته در معرض تجدیدنظر و بازنگری آینده است (بهشتی، ۱۳۷۶ و ۱۳۷۷).

اساس این تفکر و اندیشه بر چند مطلب استوار است:

۱. معنای یک متن فراتر از آن چیزی است که نویسنده آن را در ابتدا قصد کرده است.
 ۲. در فرایند تفسیر یک متن، همیشه معنای جدیدی تولید می‌شود و در این تولید، هم ذهنیت و پیش داوری‌های مفسر و هم خود متن سهیم است (واعظی، ۱۳۹۳، ص ۲۹۸).
 ۳. از نظر طرفداران هرمنوتیک فلسفی، معنایی که از متن فهمیده می‌شود هیچ گاه واحد نبوده بلکه متنوع و متکثر است (احمدی، ۱۴۰۰، ج ۲، ص ۵۷۷).
 ۴. فهم انسان از متن علاوه بر تکثر نامحدود است. از منظر گادامر، چون فهم یک متن، پاسخی به پرسش‌های مفسر است و از طرفی، پرسش‌ها نیز متأثر از پیش فرض‌ها است و محدودیتی هم در پیش فرض‌ها وجود ندارد، لذا هیچگاه نمی‌توان اذعان کرد که به تأویل نهایی، قطعی و درست نائل شده‌است (احمدی، ۱۴۰۰، ج ۲، ص ۵۷۱)؛ بنابراین، برای فهم یک متن هیچ گونه محدودیتی نمی‌توان قائل شد.
 ۵. فهم هیچ کس را نمی‌توان بهتر و برتر از فهم دیگری دانست؛ زیرا حقیقت بی‌تردید وجود ندارد و همواره لحظه‌ای از حقیقت دست‌یافتنی است؛ بنابراین ايقان و اطمینان به این که حقیقت را دانسته‌ام، انکار حقیقت است. لذا به جای فهم بهتر، باید به فهم‌های متفاوت معتقد بود (واعظی، ۱۳۹۳، ص ۳۰۰).
- در جهان اسلام نیز، بعضی از طرفداران نظریه «تعدد قرائت‌ها» با استفاده از نظریات هرمنوتیک ادعا می‌کنند که هر کسی براساس ذهنیات خود، معنایی را از قضیه یا گزاره‌ای برداشت می‌کند و غیر از این ممکن نیست. بشر از آن‌جا که دارای ذهنیات پیشینی است و این ذهنیات هم در افراد مختلف، متفاوت است، هرگاه که به قصد فهم سخن یا متنی تلاش کند، ذهنیات او نیز در این فهم دخالت می‌کند. در نتیجه، هر کلامی فهم‌های متعدد به اندازه تعداد فهم‌کنندگان خواهد داشت و همه هم درست خواهد بود. بر این اساس نمی‌توان کلامی را سراغ داشت که همه مردم - هرچند غرض

سویی هم نداشته باشند - معنای واحدی از آن بفهمند و فرض فهم معنای واحد ناممکن است (سروش، ۱۳۹۷، ص ۳۰۱). بعضی دیگر از طرفداران نظریه «تعدد قرائت‌ها» بر این باورند که، بشر از قرآن و وحی الهی حقیقت ثابتی را درک نمی‌کند و حتی خود پیامبر ﷺ نیز به لحاظ دارا بودن ویژگی بشری، در حقیقت، فهم و درک خود را به نام «وحی» برای مردم بیان کرده است و نمی‌توان قرآن را کلام خدا و وحی الهی دانست؛ بلکه قرآن در واقع کلام پیامبر ﷺ است. که از نگاه مصباح یزدی نتیجه چنین نظریه‌ای جز فرورفتن در ورطه شکاکیت و انکار واقعیت و نادیده گرفتن عقل و منطق و بازی کردن با الفاظ نخواهد بود (مصباح یزدی، ۱۳۸۲، ص ۶۵).

نتیجه عقیده گفته شده این می‌شود که هر فردی براساس پیش فرض و انتظارات خاصی سراغ تفسیر قرآن می‌رود؛ در نتیجه به تعداد افراد و بدون هیچ محدودیتی، تفسیرهای مختلف از قرآن داریم و هیچ تفسیری هم قطعی نیست؛ امکان دست‌یابی به فهم مطابق با واقع وجود ندارد. پس این گرایش تفسیری با موارد پنج‌گانه‌ای که اشاره شده، می‌تواند اساس و مبنای نظریه تعدد قرائت‌ها از یک متن باشد که به نقد و بررسی آن می‌پردازیم.

۳-۱. نقد و بررسی تمسک به هرمنوتیک فلسفی در توجیه تعدد قرائت‌ها از نگاه مصباح یزدی

آنچه از منظر مصباح یزدی در ارتباط هرمنوتیک فلسفی با نظریه تعدد قرائت‌ها قابل تأمل و بررسی است، میزان تأثیر پیش‌دانسته‌ها در فهم متن و نبود فهم یقینی و قطعی از متون به خصوص متون دینی است.

از نگاه مصباح یزدی مفسر می‌تواند و باید حتی‌الامکان خود را از پیش‌داوری‌ها دور کند. البته تخلیه کامل ذهنیت‌ها و پیش‌داوری‌ها برای همه میسر نیست و چه بسا انسان توجه نداشته باشد که این برداشت او مبتنی بر پیش‌داوری خاصش درباره فلان موضوع است. با این حال، انسان می‌تواند سعی خود را در طریق اتکا بر اصول بدیهی عقلی به کار گیرد و با توجه به اصول عقلایی محاوره و روش‌های صحیح تفسیر، به تأمل و تدبر پردازد (مصباح یزدی، ۱۳۸۲، ص ۷۶). باید دقت شود که پیش‌دانسته‌ها اقسامی دارد.

پیش‌دانسته‌هایی که نقش ابزار و آلی دارند؛ نظیر لغت، ادبیات، علم منطق و قوانین حاکم بر مجاور عقلا برای فهم ضروری‌اند. اما هیچگاه نباید از نقش ابزار آن‌ها غفلت شود. پیش‌دانسته‌های ظنی، دسته دیگری از پیش‌دانسته‌هاست که همواره باید از داخل آن‌ها در عمل فهم و تفسیر پرهیز کرد. آن‌ها معمولاً رهنزن فهم بوده، تفسیر را به انحراف می‌کشاند و موجب تفسیر به رأی می‌شوند (حسین‌زاده، ۱۳۸۱، ص ۸۹).

همچنین، پاسخ مصباح به این ادعا که هیچ تفسیر قطعی و یقینی وجود ندارد این است که در موارد متعددی می‌توان از طریق برهان‌های عقلی و به کمک روایات صحیح و معتبر به نتایج قطعی، واقعی و غیر قابل تغییر دست یافت به طوری که هیچ تحولی در نظام عملی قادر به خدشه‌دار کردن آن نباشد. این‌گونه ادراک قطعی هم در علوم عقلی و مسائل منطقی میسر است و هم در استفاده معانی الفاظ. اگر شیوه صحیح آن دانسته شود و فراین کافی در اختیار باشد، حصول قطع و معرفت یقینی امکان دارد؛ از این رو نیل به معارف یقینی و غیر قابل تغییر فی‌الجمله ممکن است؛ بنابراین هرگاه انسان از پیش‌دآوری‌ها فاصله بگیرد، می‌تواند به یک سلسله مطالب یقینی برسد و ادعای قطع کند، هر چند نظر دیگران برخلاف آن باشد (مصباح یزدی، ۱۳۸۲، ص ۶۷). در مورد قرآن نیز همین گونه است؛ یعنی می‌توان مطلبی را به‌طور قطع و یقین، مستقیماً یا به کمک روایات صحیح و معتبر، از قرآن استفاده کرد. در چنین مواردی می‌توان گفت که نظر قرآن همین است و بس، و هر نظریه‌ای خلاف آن، از نظر قرآن و اسلام باطل است؛ اگرچه همه مردم آن را پذیرفته باشند. اما اگر مطلبی را به شکل قطعی استنباط نگردید بلکه فقط بدان ظن و گمان پیدا شد، باید گفته شود که این برداشت و گمان ما است و ممکن است معنای دیگری، مراد خداوند باشد (مصباح یزدی، ۱۳۸۲، ص ۶۷)؛ چراکه قرآن کتابی است که همه کلمات و حروف آن از طرف خدای متعال است و مؤلف به معنای متعارف ندارد؛ یعنی سخن بشری نیست، پیامبر هرگز از روی دلخواه سخن نمی‌گوید. آنچه می‌گوید چیزی جز وحی که بر او نازل شده است، نیست (نجم، ۴-۳) (رضایی اصفهانی، ۱۳۹۳، صص ۳۷۴-۳۷۶).

نتیجه‌گیری

مسئله قرائت‌پذیری دین، از جمله قرآن، یکی از مسائل مهم در حوزه دین‌پژوهی است. این مسئله بدان معناست که می‌توانیم از متون دینی از جمله قرآن تفسیرها و فهم‌های گوناگونی داشته باشیم، هر چند متناقض و متعارض باشند.

از آنجا که این شبهه به‌عنوان مهم‌ترین شبهه برای دور کردن مردم از هدایت الهی و تعالیم انبیا است و با اصلی‌ترین اهداف انبیا، یعنی هدایت الهی منافات دارد، بررسی همه‌جانبه نظریه تعدّد قرائات و مبانی اراده‌شده برای آن امری لازم و ضروری است تا بر دقت و ژرف‌نگری مفسران متون دینی بیافزاید.

آنچه از بررسی نظریه تعدّد قرائات و مبانی مرتبط با آن حاصل شد این است که:
- از نگاه مصباح یزدی برای طرح مسئله تعدّد قرائات و برداشت‌های متفاوت از متون دینی، بسترها و زمینه‌های متعددی بیان شده، که یکی از این بسترها، تعدّد معنایی آیات قرآن و هرمنوتیک فلسفی است.

- از نگاه ایشان وجود دو معنا برای یک لفظ، امکان، بلکه؛ وقوع نیز دارد و به شرط این که؛ ضابطه‌مند و بر اساس قواعد محاوره عقلایی باشد و تعارضی بین دو معنا نباشد معتبر است. در حالی که طبق نظریه تعدّد قرائات‌ها، وجود معانی متضاد و متناقض و بدون ضابطه امری پذیرفته شده است.

- تأثیر پیش‌دانسته‌ها و ذهنیت مفسر در تفسیر متون از نگاه علامه مصباح، امری مسلم است اما؛ این به معنای شرط لازم برای فهم متون نیست؛ بلکه هر چقدر این تأثیر بیشتر باشد، منتهی به تفسیر به رأی و تحمیل نظر بر متن مورد مطالعه می‌شود. درحالی که طبق نظریه تعدّد قرائات‌ها، برای فهم یک متن وجود پیش‌دانسته‌ها امری لازم و ضروری است.

- از نگاه علامه مصباح، مطلبی که با دلایل قطعی ثابت شود؛ یعنی بر اساس روش‌شناسی مربوط در حوزه علوم نقلی، با تکیه بر سند متواتر و دلالت روشن و یا قرینه قطعی به‌دست آید، قابل پذیرش همگانی است و قرائت‌پذیر نخواهد بود. درحالی که

طبق نظریه هرمنوتیک فلسفی هیچ متن یقینی وجود ندارد و همه متون قرائت پذیر هستند. - از منظر علامه مصباح، تعدّد معنایی قرآنی نمی تواند بستری برای طرح نظریه قرائت‌ها باشد؛ زیرا هم محدوده پذیرش قرائت‌های مختلف و هم ضوابط آن معین و مشخص است. نظریه تعدّد قرائت‌ها بر مبنای هرمنوتیک فلسفی مبتنی است و مهم ترین پیامد و دستاورد هرمنوتیک فلسفی، تعدّد قرائت است. که از اساسی ترین مشکلات نظریه تعدّد قرائت، ناسازگاری با اصول تفهیم و تفهّم عقلانی است.



فهرست منابع

* قرآن کریم

۱. ابن فارس، احمد. (۱۳۹۰). مقایس اللغة (ج ۱، ترتیب: سعیدرضا علی عسگری). قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۲. احمدی، بابک. (۱۴۰۰). ساختار ناویل متن (ج ۲). تهران: نشر مرکز.
۳. بابائی، علی اکبر. (۱۳۷۷). باطن قرآن کریم. معرفت، ش ۲۶، صص ۷-۱۶.
۴. بابائی، علی اکبر. (۱۳۸۶). مکاتب تفسیری. تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۵. بهشتی، احمد. (۱۳۷۶-۱۳۷۷). هرمنوتیک، لوزام و آثار. کتاب نقد. شماره ۶ و ۵، صص ۵۵-۸۶.
۶. جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۹۱). تسنیم (ج ۱، محقق: علی اسلامی). قم: اسراء.
۷. جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۹۵). قرآن در قرآن (تنظیم: محمد محرابی). قم: اسراء.
۸. حرعاملی، محمدحسین. (۱۴۰۹ق). تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه (ج ۲۷). قم: موسسه آل‌البتین.
۹. حسن زاده، حسین. (۱۳۸۱). رابطه اجتهاد و مسئله تعدد قرائت‌ها از دین. قیاسات، ش ۲۳، صص ۷۴-۹۳.
۱۰. حسین زاده، محمد. (۱۳۸۱). مبانی نظریه تعدد قرائت‌ها. قیاسات، ش ۲۳، صص ۳-۹.
۱۱. حق شناس، علی محمد و همکاران. (۱۳۸۶). فرهنگ معاصر هزاره انگلیسی فارسی (ج ۲). تهران: فرهنگ معاصر.
۱۲. خسروپناه، عبدالحسین. (۱۳۹۳). تحلیل و بررسی پلورالیسم دینی و گوهر و صدف دین. اندیشه نوین دینی، ش ۳۷، صص ۷-۲۴.
۱۳. ذهبی، محمدحسین. (۱۳۹۶). التفسیر و المفسرون. بیروت: داراحیاء التراث العربی.

۱۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۳۸۱). المفردات فی غریب القرآن (مترجم: سیدغلامرضا خسروی حسینی، ج ۱). تهران: مرتضوی.
۱۵. ربانی گلپایگانی، علی. (۱۳۷۶). کالبدشکافی پلورایسم دینی. کتاب نقد، ش ۴، صص ۲۰۹-۱۳۱.
۱۶. رضائی اصفهانی، محمدعلی. (۱۳۹۲). منطق تفسیر قرآن ۱. قم: مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی.
۱۷. سروش، عبدالکریم. (۱۳۹۷). قبض و بسط تئوریک شریعت. تهران: موسسه فرهنگی صراط.
۱۸. شریفانی، محمد. (۱۳۹۴). تحلیل باطن قرآن کریم از دیدگاه علامه طباطبایی. فصلنامه مطالعات تفسیری، ش ۲۱، صص ۹۲-۱۷۹.
۱۹. طباطبائی، سیدمحمدحسین. (۱۳۸۷). قرآن در اسلام. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۲۰. طریحی، فخرالدین. (۱۹۸۹م). مجمع البحرين (ج ۶). بیروت: دارمکتبه الهلال.
۲۱. فیض کاشانی، ملامحسن. (۱۳۹۲). الصافی فی تفسیر القرآن (ج ۱، محقق: سیدمحسن امینی). تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۲. کلانتری، ابراهیم. (۱۳۸۲). قرآن چگونگی پاسخ گوئی به نیازهای زمان. تهران: دفتر نشر معارف.
۲۳. مجتهد شبستری، محمد. (۱۳۸۰). هرمنوتیک فلسفی و تعدد قرائت‌ها از دین. بازتاب اندیشه، ش ۲۱، صص ۲۶-۳۱.
۲۴. مجتهد شبستری، محمد. (۱۳۸۴). نقد قرائت رسمی از دین. تهران: طرح نو.
۲۵. محمدرضایی، محمد. (۱۳۸۲). مبانی قرائت‌های گوناگون از قرآن. قبسات، ش ۲۹، صص ۶۵-۸۸.
۲۶. مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۸۲). تعدد قرائت‌ها (محقق: غلامعلی عزیزی کیا). قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.

۲۷. مصباح یزدی، محمد تقی. (۱۳۹۴). قرآن‌شناسی (ج ۲، محقق: غلامعلی عزیزی کیا). قم: انتشارات موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
۲۸. مصطفوی، حسن. (۱۳۶۵). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم (ج ۱). تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۲۹. مودب، سیدرضا. (۱۳۸۶). مبانی تفسیر قرآن. قم: انتشارات دانشگاه قم.
۳۰. نجارزادگان، فتح‌اله. (۱۳۸۸). بررسی تطبیقی مبانی تفسیر قرآن در دیدگاه فریقین. قم: بی‌نا.
۳۱. نیکزاد، عباس. (۱۳۸۹). صراط مستقیم. قم: پژوهشگاه معلوم و فرهنگی اسلامی.
۳۲. واعظی، احمد. (۱۳۹۳). درآمدی بر هرمنوتیک. تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

References

*The Holy Quran

1. Ahmadi, B. (1400 AP). *The structure of text interpretation* (Vol. 2). Tehran: Nahr-e-Markaz. [In Persian]
2. Babaei, A. A. (1377 AP). The interior of the Holy Quran. *Marefat*, 26, pp. 7-16. [In Persian]
3. Babaei, A. A. (1386 AP). *Interpretive schools*. Tehran: Research Institute of Hawzeh and University. [In Persian]
4. Beheshti, A. (1376-1377 AP). *Hermeneutics, Lozam and works. book review*. 6 & 5, pp. 55-86. [In Persian]
5. Feiz Kashani, H. (1392 AP). *Al-Safi fi Tafsir al-Qur'an* (Vol. 1, S. M. Amini, Ed.). Tehran: Dar al-Kotob al-Islamiya. [In Persian]
6. Haqshenas, A. M. et al. (1386 AP). *Hezareh Contemporary Dictionary of English to Persian*. (Vol. 2). Tehran: Contemporary Culture. [In Persian]
7. Hassanzadeh, H. (1381 AP). *The relationship between ijtehad and the issue of plurality of readings of religion*. *Qabasat*, 23, pp. 74-93. [In Persian]
8. Hosseinzadeh, M. (1381 AP). The basics of the theory of multiple readings. *Qabasat*, 23, pp. 3-9. [In Persian]
9. Hur Ameli, M. H. (1409 AH). *Tafsil Wasa'il al-Shia ila Tahsil Masa'il al-Shari'ah* (Vol. 27). Qom: Alulbyat Institute. [In Arabic]
10. Ibn Faris, A. (1390 AP). *Maqaees al-Lugha* (Vol. 1, S. R, Ali Asgari, Ed.). Qom: University and Hawzeh Research Institute. [In Persian]
11. Javadi Amoli, A. (1391 AP). *Tasnim* (Vol. 1, A, Eslami, Ed.). Qom: Isra. [In Persian]
12. Javadi Amoli, A. (1395 AP). *The Qur'an in the Qur'an* (M, Mehrabi, Ed.). Qom: Isra. [In Persian]
13. Kalantari, E. (1382 AP). *The Quran and how to respond to the needs of the time*. Tehran: Education publishing office. [In Persian]

14. Khosrupanah, A. (1393 AP). Analysis and investigation of religious pluralism and the gem and shell of religion. *New Religious Thought*, 37, pp. 24-7. [In Persian]
15. Mesbah Yazdi, M. T. (1382 AP). *The number of readings* (Q. A, Azizikia, Ed.). Qom: Imam Khomeini and Research Institute. [In Persian]
16. Mesbah Yazdi, M. T. (1394 AP). *Koranology* (Vol. 2, Q. A, Azizikia, Ed.). Qom: Publications of Imam Khomeini Educational and Research Institute. [In Persian]
17. Mo'adab, S. R. (1386 AP). *Basics of interpretation of the Qur'an*. Qom: Qom University Press. [In Persian]
18. Mohammad Rezaei, M. (1382 AP). The basics of different readings from the Qur'an. *Qabasat*, 29, pp. 65-88. [In Persian]
19. Mojtaheh Shabestari, M. (1380 AP). Philosophical hermeneutics and multiple readings of religion. *Reflection of Thought*, 21, pp. 26-31. [In Persian]
20. Mojtaheh Shabestari, M. (1384 AP). *Criticism of the official reading of religion*. Tehran: Tarhe No. [In Persian]
21. Mostafavi, H. (1365 AP). *Al-Tahqiq fi Kalamat al-Qur'an al-Karim*. (Vol. 1). Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance. [In Persian]
22. Najarzagdegan, F. (1388 AP). *A comparative study of the principles of Qur'an interpretation in the perspective of Fariqayn*. Qom. [In Persian]
23. Nikzad, A. (1389 AP). *The right path*. Qom: Islamic Sciences and Culture Academy. [In Persian]
24. Rabbani Golpayegani, A. (1376 AP). An autopsy of religious pluralism. *Book Review*, 4, pp. 131-209. [In Persian]
25. Ragheb Esfahani, H. (1381 AP). *Al-Mufradat fi Gharib al-Qur'an* (S. Q. R, Khosravi-Hosseini, Trans., vol. 1). Tehran: Mortazavi. [In Persian]
26. Rezaei Esfahani, M. A. (1392 AP). *The Logic of Qur'an Interpretation 1*. Qom: Al-Mustafa International Translation and Publishing Center. [In Persian]

27. Sharifani, M. (1394 AP). An analysis of the interior of the Holy Quran from the point of view of Allameh Tabatabaei. *Journal of the Holy Qur'an and Islamic Texts*, 21, pp. 179-92. [In Persian]
28. Soroush, A. (1397 AP). *The theoretical reduction and development of Sharia law*. Tehran: Serat Cultural Institute. [In Persian]
29. Tabatabaei, S. M. H. (1387 AP). *The Quran in Islam*. Qom: Islamic Publications Office. [In Persian]
30. Tarihi, F. (1989). *Majma' al-Bahrain* (Vol. 6). Beirut: Dar Maktaba al-Hilal.
31. Vaezi, A. (1393 AP). *An introduction to hermeneutics*. Tehran: Islamic Culture and Thought Research Institute Publishing Organization. [In Persian]
32. Zahabi, M. H. (1396 AP). *Al-Tafseer va Al-Mufaseroun*. Beirut: Dar Ihya al-Torath al-Arabi. [In Persian]

